

در سالگرد درگذشت پدرم

پنجم مرداد ماه ۱۳۸۹

سی سال پیش پدرم با چشمی گریان و دلی افسرده خاک وطنش را ترک گفت، در این آرزو که با رفتنش آرامش و صلح از دست رفته به ایران عزیزش بازگردد، خون هموطنانش در آشوب انقلاب بر زمین نریزد و بیگانگان با گسترش دامنه ستیزخانگی سودای تعرض به ایران در سر نپرورانند.

اما، نه تنها آرزوی او بلکه آرزوی هیچ یک از ایرانیانی که به امید دسترسی به آزادی ها و حقوق بشر به پیشباز انقلاب رفتند برآورده نشد. کسانی بر وطن دلبندهش مسلط شدند که در این سال ها با ایران و فرزندان آن کردند که هیچ دشمن بی رحمی در تاریخ نکرده بود. اینان از خونریزی و خرابی های بی شمار، از ستیز با همه حقوق و آزادی های مردم ایران، از ماجراجویی و جنگ طلبی، از هدر دادن سرمایه های انسانی و مادی وطن و از تحقیر نام بلند ایران در جهان، یک لحظه هم دست نکشیده اند و من یقین دارم که نخواهند کشید.

می گویند، و درست می گویند، که تاریخ داورنهایی نیک و بد کارنامه کسانی است که در زندگی مردمان و در سرنوشت جامعه خویش نقشی عمده داشته اند. اما، این داوری در یک آن و یک باره رخ نمی دهد و شمار داوران کارنامه ها محدود به محققان و نویسندگان نیست. اعضای هر جامعه ای پیوسته در کار این داوری اند.

داوری ایرانیان درباره کارنامه پدرم نیز همچنان ادامه دارد و خواهد داشت. تردید ندارم که این داوری همیشه منصفانه خواهد بود، روان پدرم را شاد و فرزندان را سربلندتر از همیشه خواهد کرد.

از همه هم میهنان عزیزمی که در سالگرد درگذشت او خود را درانده من و خویشانم شریک دانسته اند صمیمانه سپاسگزارم.

رضا پهلوی